

فرهنگ	
 چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۴ سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۷	

در حاشیه رمان «دور و دورتر» از اولیو روسرو

تمثیلی از خشونت و ناامنی

شرق: بسیاری معتقدند که فرانتس کافکا نویسنده‌ای تقلیدناپذیر است، با این حال فضای داستانی آثار کافکا ویژگی‌هایی دارد که بر نویسندگان زیادی تأثیر گذاشته است و در توصیف برخی داستان‌ها از تعبیر فضای کافکایی استفاده می‌شود. «دور و دورتر» عنوان داستانی است از اولیو روسرو که فضای اسرارآمیز آخرالزمانی‌اش برخی آثار کافکا را به یاد می‌آورد.

«دور و دورتر» اخیرا با ترجمه پژمان طهرانیان در نشر افق منتشر شده و اولین اثری به شمار می‌رود که از این نویسنده به فارسی ترجمه شده است. مترجم اشاره کرده که تصویرپردازی‌های غریب و مهیب این داستان یادآور نقاشان سوررئالیست مانند سالوادور دالی است و همچنین نوع روایتش برخی آثار سینمایی دیوید لینچ را به ذهن تداعی می‌کند. او توضیح داده که تعبیرات و تشبیهات و توصیفات به‌کاررفته در این کتاب گاهی از زبان مرسوم و منطق مألوف در ادبیات داستانی فراتر می‌رود و افزون بر این، استفاده از نمادها و استعاره‌ها هم در این اثر بررنگ است. بستر روایت داستان «دور و دورتر»، خشونتِ است که در سال‌های پیش از انتشار این اثر در کلمبیا به اوج خود رسیده بود؛ ازجمله ظهور انواع و اقسام نیروهای شبه‌نظامی و قدرت‌گرفتن پلیس امنیتی، نویسنده البته با فاصله‌گرفتن از رئالیسم مرسوم و تصویرپردازی‌هایی که با وضعیت شخصیت‌ها و اشیا و فضاهای داستانی در پیوند قرار دارند، خشونت را به شکل تمثیلی به تصویر کشیده است.

«دور و دورتر» پس از انتشار با استقبال خوبی روبه‌رو شد و منتقدان نیز نقدهای مثبتی درباره‌اش نوشتند. هفته‌نامه «پابلشرز ویکلی» این رمان کوتاه را «کابوسی پرتب‌وتاب و پرقدرت» توصیف کرده و آن را «شاهکاری فراموش‌نشدنِ از یکی از تأثیرگذارترین رمان‌نویسان معاصر کلمبیا» نامیده است.

طهرانیان در بخشی از یادداشت ابتدایی اثر درباره برخی ویژگی‌ها و خصلت‌های جهان داستانی روسرو نوشته: «خانه در آثار روسرو - و فضاهای بسته در این اثر- اغلب محیط‌های خشن و ناامن‌اند و بازنمای ناگامی نهادهای بنیادی در تأمین سلامت و امنیت جامعه. شخصیت‌ها اکثرا در وضعیت عذابی ایستا یا مکرر گرفتار آمده‌اند، با احساس ضرورتی اندک برای گریز از وضعیت سستم‌باری که در آن‌اند. ایجاد تغییر یا رهایی هم اغلب بسته به عوامل کمکی از بیرون یا کنش‌هایی حاد مانند خودکشی است. سرما یکی از تمثیل‌های مهم برای نشان‌دادن خشونت و تأثیرات‌اش است و بازنمای بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی، درد و رنج، و کمبود همدلی و هم‌دردی است که این‌ها همه با عنصر تمثیل‌گونه گرما/ آتش در تضادند. خانه‌ها، آدم‌ها، مناظر و حتی چیزهایی‌که به‌طور معمول با گرما پیوند دارند (کوه، آتشفشان، قهوه، پتو) به عناصر سرد استحاله می‌یابند. در مقابل، گرما و آتش آن‌که قدرت و ثروت را بازمی‌نمایند، هرچند که حتی گرماهای انسانی هم ممکن است تحریف‌شده و گذرا باشند. دست‌یابی به آتش (مثلا برای روشن‌کردن سیگار) هم در پیوند با کسانای میسر است که در قدرت‌اند، مثل شخصیت یونیفاسیو». مترجم همچنین نوشته که اشیا و فضاهای داستانی سرشار از تجسّدی در قالب دنباله‌هایی از تجربیات و شخصیت‌ها هستند و به انتقال کلی همان حس خشونت و عذاب یاری می‌رسانند. اشیاای شکسته و رهاشده در روایت داستان تمثیلی از تأثیر خشونت بر آدم‌ها هستند. علاوه بر این، خود شهر هم به صورت پتخجالی توصیف شده که در میان کوه آتشفشان و مغاک محصور مانده است.

«دور و دورتر» نخستین بار در سال ۲۰۰۳ به اسپانیایی منتشر شد و ترجمه انگلیسی آن هم اولین بار در سال ۲۰۲۴ به چاپ رسید. ماجراهای این رمان به پیرمردی مربوط است که در جست‌وجوی نواش، دختری نسه‌اله، که هیچ اثری از او نمانده سرگردان شده است. او در جست‌وجوهایش سر از شهری آخرالزمانی درمی‌آورد که یک طرفش کوهستان است و طرف دیگر، مغاک‌ی بی‌انتها. شهر رموز است و آدم‌های عجیبی در آن حضور دارند. رفتار غریب ساکنان هول و هراس بیشتری به دل پیرمرد می‌اندازد. از این بدر، شهر پر از لاشه موش است. نمی‌دانیم چرا و چطور، اما انگار هیچ‌کس اهمیتی به آنها نمی‌دهد. در بخشی از رمان می‌خوانیم: «حالا حس می‌کرد داخل کلیسایی است، اما کلیسایی نباشده بر پایه‌های وحشت، چون حالا دیگر ناله‌ها پراکنده هرازگاهی شدت می‌گرفتند، در مکان‌هایی همان‌قدر نزدیک که دور، ناله‌هایی آرام و در عین حال نافذ، ناله‌هایی که خطر تبدیل‌شدن به نعره را داشتند... ناله‌هایی که یک بار برای همیشه مرد را فلج کردند قبل از آنکه اولین چهره را ببیند: زنی را در سكرات موت».

نویسنده کتاب، اولیو روسرو دیاکو، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگاری کلمبیایی است که در ۱۹۵۸ در بوگوتا، پایتخت این کشور متولد شد. او در کشورش در رشته روزنامه‌نگاری تحصیل کرد و به خاطر داستان‌های کوتاهی که در جوانی می‌نوشت جوایزی از کشورهای اسپانیایی‌زبان کسب کرد. روسرو پس از موفقیت‌های اولیه‌اش به دلایل سیاسی و اجتماعی از کلمبیا گریخت و چند سالی در پاریس و سپس در بارسلونا زندگی کرد. روسرو در سال ۲۰۰۶ به خاطر مجموعه آثارش که شامل رمان و داستان کوتاه و کتاب‌هایی برای کودکان و نوجوانان است، جایزه ملی ادبیات کلمبره را از وزارت فرهنگ این کشور دریافت کرد. او در مجموع بیش از ده رمان نوشته و جوایز زیادی هم به دست آورده است که مهم‌ترینش در دنیای انگلیسی‌زبان جایزه بهترین کتاب داستانی خارجی سال به انتخاب روزنامه «ایندپندنت» است.

پژمان طهرانیان در یادداشتی در ابتدای کتاب «دور و دورتر» توضیحاتی درباره این اثر و نویسنده‌اش داده و به دیگر کتاب‌های او هم اشاره کرده است. اولین رمان روسرو با عنوان «ماتئو به تنهایی» در سال ۱۹۸۴ منتشر شد. این نخستین کتاب از سه‌گانه‌ای با نام «نخستین‌بار» است که بعدها تکمیل شد. «ماتئو به تنهایی» داستان پسرچپ‌های است که در خانه خودش زندانی شده و از پنجره نظارگر دنیای بیرون است.

دومین رمان روسرو، با نام «خولیو تماشا می‌کند» در ۱۹۸۶ منتشر شد و با این کتاب ترجمه آثار روسرو به زبان‌های دیگر آغاز شد. این رمان روایتی است از تجربه‌های دختری نوجوان که نظارگر در دنیای بزرگ‌ترها و خشونت‌هایی‌اش است. این اولین کتابی است که روسرو در آن مستقیما برخی واقعیت‌های ترازیک کشورش را، نظیر کودک‌ربایی، به‌عنوان تهدیدی مهم برای جامعه کلمبیا مطرح می‌کند.

سومین رمان روسرو، «مرد سوخته» نام دارد که در ۱۹۸۸ منتشر شد و جوایزی هم برای نویسنده با همراه آورد. این رمان داستان گروهی از نوجوانان است که در مدرسه شورشی در بوگوتا تحصیل می‌کنند. روسرو در این کتابش آموزش‌های نادرستی را که برخی سران کلیسا به دانش‌آموزان می‌دهند، محکوم کرده است.



دور و دورتر

اولیو روسرو

ترجمه پژمان طهرانیان

نشر افق

به مناسبت صدوچهارمین سالگرد گذشت میرزا کوچک‌خان

چهره فرهنگ جنبش جنگل

پیام حیدرقزوینی

میرزا کوچک‌خان جنگلی به تعبیر خسرو شاکری «رهبر فرهنگند جنبش جنگل» بود که در ۱۲۶۹ یا ۱۲۷۰ در ناحیه استادسرای رشت متولد شد و نام مستعار میرزا کوچک را گرفت. او نخست به مدارس حملهی سنتی رفت و در نوجوانی به تحصیل درس مذهبی در مدرسه‌ای در رشت پرداخت. آن‌طورکه گزارش کرده‌اند، او پس از بیست‌ویک سالگی در تهران به تحصیل دروس پیشرفته مذهبی مشغول شد. دقیقاً مشخص نیست که کوچک‌خان کجا و چگونه گرایش سیاسی پیدا کرد و شاکری در «میلاد زخم» می‌گوید احتمالاً در دوران اقامتش در تهران در اوایل قرن بیستم، زمانی که سفرهای شاه به اروپا با پول استقراضی موجب اعتراض عمومی شد، روی به سیاست آورد. او همچنین در رشت و در میان طلبه‌های جوان فعال بود و گفته می‌شود ازجمله سازمان‌دهندگان انجمن طلاب بوده و احتمالاً ازجمله نخستین مشروطه‌خواهانی به شمار می‌رفته که رفقای انجمن خود را برای حمایت از نهادهای تازه‌تأسیس دموکراتیک مسلح کرد. کوچک‌خان در روند جنبش مشروطه، زندگی پرفرازونشیبی داشت و پس از کودتای ۱۲۸۷ دوران استبداد صغیر، به قفقاز پناهنده شد. او در پیوند مداوم با مشروطه‌خواهان بود و علیه سلطنت مبارزه می‌کرد و با آغاز جنگ جهانی اول به همراه یارانش به مبارزه مسلحانه علیه نیروهای روس مستقر در گیلان پرداختند. از سوی دیگر، او مخالف سرسخت ورود نیروهای انگلیسی به ایران هم بود. در اواخر سال ۱۲۹۸، درحالی‌که از نیروهای انگلیس شکست خورده بودند، جنبش جنگل را احیا کرد. کوچک‌خان اتحاد کوتاه‌مدتی با کمونیست‌های ایرانی تشکیل داد، اگرچه احیای این اتحاد در اردیبهشت ۱۳۰۰ با حیدرخان عموغلی هم شکست خورد و این منجر به بدگمانی زیادی شد. در نهایت جنگلیان در برابر نیروهای نظامی تحت حمایت مالی و تجهیزاتی انگلیسیان و پشتیبانی وزیرمختار شوروی در تهران به زانو درآمدند. شاکری می‌گوید عامل تعیین‌کننده در این شکست، مثلث دیپلماتیک لندن، تهران و مسکو بود که از نظر سیاسی جنبش جنگل را منزوی کرد. کوچک‌خان سرانجام در آذر ۱۳۰۰ در توفان برف گرفتار شد و در ارتفاعات البرز از سرما یخ زد. نیروهای دولتی پیکر او را پیدا کردند و گردن زدند و سرش را برای رضاخان به تهران فرستادند. خسرو شاکری در پژوهش خود درباره رهبری میرزا کوچک‌خان در جنبش جنگل استدلال کرده که چون تلاش برای اقدام جمعی در قالب انجمن‌ها، مجلس و حتی احزاب شکست خورده بود، ایرانیان به استقبال یک رهبر فرهنگند شتافتند و کوچک‌خان در چنین بستری ظهور کرد: «دوست و دشمن در او چهره یک میهن‌دوست سرسخت، مدافع ایدئالیست عدالت، فرانس‌اللهجه اما متواضع، بی‌علاقه به منافع یا افتخار شخصی را می‌دیدند. به گفته وایسته نظامی فرانسه در تهران، کوچک‌خان صدایی نرم و افتخارکننده و یک چهره روحانی داشت و مورد علاقه دهقانانی بود که در او به چشم منجی می‌نگریستند. مراتب میهن‌دوستی، بزرگواری و عشق او به عدالت مورد تأیید مسیون مذهبی آمریکایی در رشت نیز بود. وی زندگی پارسایانه‌ای داشت و هر زمان که لازم بود، سخن می‌گفت و فردی صادق و شکیبا، با خلق‌و‌خوی ملایم و خوش‌تن‌دار توصیف می‌شد. میرزا از انتقام‌جویی نفرت داشت و حتی نسبت به دشمنان مهربان بود و تمایل داشت آنان را به جای مجازات نصیحت کند». به همین دلیل است که برخی معتقد بودند کوچک‌خان فاقد شهامت و جسارت لازم به‌عنوان یک رهبر انقلابی است. شاکری در «میلاد زخم» از باور موسومی که شکست جنبش جنگل را به نیروهای خارجی نسبت می‌دهد، فاصله گرفته، اگرچه این باور با توجه به سیاست‌های مداخله‌جویانه خارجی در ایران را خود را باز کرده است. یکی از هدف‌های مهم شاکری در این اثر، قرارداد سیاست قدرت‌های خارجی در ایران در جایگاه مناسب خودشان است. شاکری بر این باور است که ریشه‌های شکست جنبش جنگل و دیگر وقایع مشابه در ایران قرن بیستم را باید در سامان‌های اجتماعی، اقتصادی و ذهنی‌ای یافت که رهبری سیاسی ایران را شکل می‌دهند. براساس این دیدگاه است که او می‌گوید می‌توان به شکست جنبش جنگل همچون توله رژیم پهلوی نگریست که پس از نیم‌قرن و به‌رغم همه ظاهرسازی‌های وارونه، فقرای تاریخی ضایعه‌باری را به‌ویژه در عرصه فکری به بار آورد. بخش درخ‌رو توجهی از کتاب، شرحی از برهم‌کنش و تعامل سیاست خارجی در شوروی در حال ظهور، نفوذ رو به افول بریتانیا و جنبش جنگل است. شاکری



نشان داده که درباره تاریخ جنگل تا زمان سقوط رژیم پهلوی تا چه اندازه اسطوره‌پردازی شده بود و نیز تا چه اندازه اسطوره‌های تازه جعل و ساخته می‌شوند. شاکری در این کتاب، نخست به بررسی تاریخ اقتصادی و سیاسی منطقه ساحلی خزر پرداخته که جنبش جنگل از آنجا سر برآورد. او در فصل دوم، تصویری از توانمندی‌ها و دشواری‌های منطقه به دست می‌دهد که بر اثر هجوم سلطه روسیه تزاری و بریتانیا وخامت یافت و به ظهور و سقوط جنبش جنگل کمک کرد. فصل سوم مطالعه شاکری، به تحلیل نقش منطقه خزر در تکاپوی ایران برای دموکراسی در مبارزات مشروطه‌خواهی اختصاص دارد. او در فصل‌های دوم و سوم به معضلاتی تأکید کرده که ایران در گذار سیاسی از یک جامعه سنتی به جامعه‌ای مبتنی بر الگوی اروپای مدرن، با آنها روبه‌رو شد؛ معضلاتی که نه‌فقط جنبش جنگل، بلکه جنبش بعدی ایران به سوی دموکراسی و نوسازی را احاطه کرده‌اند. فصل چهارم کتاب به بحث درباره دشواری‌های جنگ جهانی اول و اشغال نظامی ایران می‌پردازد که زمینه را برای احیای جنبش میهنی، این بار به رهبری جنبش جنگل، فراهم آورد. در این فصل، همچنین خاکستگاه جنبش و رسیدن یکباره آن به موفقیت‌های جدید تحت تأثیر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه مورد بررسی قرار گرفته است. شاکری در فصل دیگری از کتاب، برنامه و ساختار سیاسی جنبش جنگل را بررسی کرده و هم خصلت سنتی و هم مبارزه آن برای پاک‌سازی کشور از نیروهای خارجی را توصیف کرده است. فصل ششم کتاب به بازسازی روایی‌ری نظامی نیروهای جنگل با انگلیسی‌ها در دوران فرادستی این کشور می‌پردازد که زمینه را برای طرح‌های خود در به دست گرفتن کنترل ایران هنگامی فراهم آورد که بلشویک‌ها موقتاً نفوذ سنتی روسیه در ایران را می‌زدودند. فصل هفتم کتاب به بررسی انتقادی تصویری از جنبش جنگل مربوط است که ناظران گوناگون خارجی و دست‌اندرکاران ایرانی از آن به دست داده‌اند و به این وسیله به تحریف تاریخ کمک کرده‌اند. در فصل هشتم به تهاجم دیپلماتیک بلشویک‌ها در ایران و تأسیس حزب کمونیست ایران توجه شده و به بررسی هدف‌ها و نگرش شوروی به جنبش آزادی‌بخش ملی ایران پرداخته شده است. راهبرد شوروی در فصل نهم بررسی شده و در آن به تحلیل رویکرد دوگانه این کشور پس از پیاده‌شدن نیروهایش در ساحل ایرانی خزر پرداخته شده است. در فصل دهم، ضمن بازسازی چگونگی تأسیس جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران، دوراهی جنبش جنگل در مقابل تهاجم شوروی و عقب‌نشینی موقت انگلیسی‌ها بررسی شده است؛ یعنی چیزی که به بازاندیشی مسئله ایران در محافل سیاسی جنبش‌ها در هند انجامید. دو فصل یازدهم و دوازدهم کتاب «میلاد زخم» به بررسی انتقادی دولت ائتلافی جنگلی-کمونیستی، فروپاشی آن و تلاش شوروی در شناور نگه‌داشتن آن طی مذاکرات سه‌جانبه تهران، مسکو و لندن اختصاص دارند. در فصل سیزدهم این مذاکرات بازسازی شده‌اند و در فصل چهاردهم به ردیابی شکل‌گیری و اجرای سیاست نواستعماری انگلیس بر پایه مدارک جدید پرداخته شده است. فصل‌های پانزدهم و شانزدهم به تحلیل سیاست دوگانه شوروی در ایران مربوط است که تا نبودی جنبش جنگل و سپس امضای دو قرارداد بزرگ اقتصادی و سیاسی مهم با لندن و تهران منجر شد. در نهایت فصل پایانی کتاب، با ردیابی ریشه‌های داخلی و عوامل خارجی شکست جنبش آزادی‌بخش ملی ایران در پیامد سیاست نواستعماری بریتانیا و تز سوسیالیسم در یک کشور لنین، می‌کوشد تا وزن و تأثیر همه عوامل را ارزیابی کند.

مروری بر پژوهش سهراب یزدانی درباره «صوراسرافیل»

انقلاب مشروطه و ظهور روزنامه آزاد

می‌گفتند نیز نگاه خود را به بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی وقایع می‌دوختند.

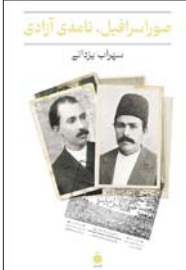
نکته دیگری که یزدانی به آن اشاره کرده این است که به دلیل وضعیتی که ذکرش رفت، همیشه نمی‌توان خط سیر فکری مشخص و یکانه‌ای را در مقاله‌های روزنامه یافت. نویسندگان «صوراسرافیل» تحت تأثیر حوادث سیاسی گوناگون و تب‌وتاب پیکار اجتماعی قرار می‌گرفتند. گاه سخنان تازه‌ای می‌آوردند و گاه سخن پیشین خود را جرح و تعدیل می‌کردند. مسئله دیگری که کتاب در بررسی‌اش منظر داشته، قاعده‌ای کلی است که در مورد «صوراسرافیل» نیز صدق می‌کند: «کار گردانندگان و نویسندگان صوراسرافیل به هر حال روزنامه‌نگاری بود. روزنامه نیز خواننده‌خواه ظرفیت و محدودیت‌های خود را دارد؛ در چارچوب قانونی مشخصی منتشر می‌شود؛ جایی اگر زیر فشار هیچ‌گونه سانسوری هم نباشد، نمی‌تواند افکار عمومی را نادیده بگیرد؛ موظف است که با چشمان باز به رویداد‌های جاری بنگرد و از آنها سخن بگوید؛ چون با توده وسیع خوانندگان سروکار دارد، باید مطالب پیچیده و دشوار را ساده و قابل فهم بنویسد؛ بین نوشته‌های آن فاصله زمانی می‌افتد؛ و سرانجام اینکه همواره دچار محدودیت صفحه‌است. بنابراین، با مطالعه روزنامه نمی‌توان به‌طور کامل و دقیق به اندیشه نویسندگان آن پی برد و شاید تنها بتوان بر بخشی از اندیشه آنها دست یافت».

در مورد «صوراسرافیل» باید این نکته را هم در نظر داشت که این نشریه به مدت سیزده ماه در تهران منتشر شد و با کودتای محمدعلی‌شاه این روزنامه نیز مانند دیگر روزنامه‌ها تعطیل شد. پس از هفت ماه دغدخا آن را در ایوردون سوئیس راه انداخت و در طول یک ماه و نیم سه شماره آن را منتشر کرد و سپس «صوراسرافیل» برای همیشه خاموش شد. یزدانی می‌گوید که میان «صوراسرافیل» تهران و ایوردون تفاوت‌های زیادی وجود دارد. سرانجام یزدانی توضیح داده که دو اصل راهنمای پژوهش او هستند: یکی اینکه مقاله‌های «صوراسرافیل» در بستر تاریخی نگارش آنها مطالعه شود و دیگر اینکه تا حد امکان ریشه‌های فکری نوشته‌ها مشخص شود.

روزنامه چه می‌گفتند و از کدام اندیشه‌ها تأثیر می‌پذیرفتند، نمی‌توان به بررسی بخشی از آن روزنامه پرداخت، بلکه باید مجموعه مقاله‌های آن را خواند و تحلیل کرد». یزدانی براساس همین فرض به مطالعه «صوراسرافیل» پرداخته و چند نکته را در این کار مدنظر داشته است.

کتاب توضیح داده که «صوراسرافیل» در روزگاری منتشر می‌شد که ممیزی مطبوعات به شکل گذشته وجود نداشت، باین‌حال، نه نظام اداری گذشته کاملاً فرو ریخته بود، نه زمامداران نگاه سنتی خود به مبانی حکومت را یکباره کنار گذاشته بودند و نه ایرانیان هنوز تاب شنیدن بسیاری از سخن‌ها داشتند؛ ازاین‌رو، روزنامه‌نگار با وجود جسارت و بی‌پروایی، باید به سطحی از حد و مرزها تن می‌داد. یزدانی براساس این واقعیت می‌گوید همیشه نمی‌توان به آنچه روزنامه‌نگار دوره مشروطه به راستی در سر داشت، پی برد.

نکته دیگر اینکه «صوراسرافیل» زمانی منتشر شد که مسائل سیاسی در بستر پرتلاطم با شتاب و شدت دگرگون می‌شدند. روزنامه‌نگاران نیز تحت تأثیر این دگرگونی‌ها بودند و آنها را در نوشته‌های خود بازتاب می‌دادند و در برابرشان واکنش نشان می‌دادند. مسائل روزمره سیاسی یکی از دو بخش اصلی مطالب روزنامه را تشکیل می‌داد. افزون بر این، «صوراسرافیل» دلمشغول مسائل ژرف اجتماعی و فرهنگی نیز بود و آنها را ریشه عقب‌ماندگی ایرانیان می‌دانست. یزدانی می‌گوید در این بستر گاه حتی مقاله‌هایی که از رویداد‌های روزمره سخن



صوراسرافیل

نامه آزادی

سهراب یزدانی

نشر مد

عطف

فایده‌های سیاست

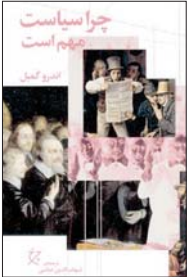
«چرا سیاست مهم است» عنوان اثری است از اندرو گمبل که با ترجمه شهاب‌الدین عباسی به فارسی منتشر شده است. اندرو گمبل پژوهشگری بریتانیایی است که در سال ۱۹۴۷ متولد شده است. او در کالج کوئینز در دانشگاه کمبریج اقتصاد خواند و مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه دارم دریافت کرد. در ۱۹۷۵ هم در رشته علوم اجتماعی و هم علوم سیاسی دکتری گرفت. او زمانی که در دانشگاه شفیلد بود، بنیان‌گذار، عضو و مدیر مرکز تحقیقات اقتصاد سیاسی، رئیس دپارتمان سیاسی و معاون رئیس دانشگاه بود. در سال ۲۰۰۵ جایزه سر آیزابا برلین را برای یک عمر نقش‌آفرینی در مطالعات سیاسی دریافت کرد. گمبل کتاب‌های زیادی درباره سیاست نوشته که یکی از آنها برنده جایزه بهترین کتاب منتشرشده در علوم سیاسی در ۲۰۰۳ شد. او سردبیر و عضو هیئت تحریریه چند مجله در زمینه علوم سیاسی است.

«چرا سیاست مهم است» اولین‌بار در سال ۲۰۱۹ منتشر شد. گمبل در کتابش شرح داده که امروز سیاست چه جایگاهی در جهان دارد، فایده مطالعه و فعالیت سیاسی چیست، سیاست چه نسبتی با حقیقت دارد، آیا به کمک سیاست می‌توان دنیای بهتری ساخت، چگونه می‌توان به تفکر سیاسی پرداخت و به چه دلیل باید خود را به دردرس سیاست انداخت.

آن‌طورکه مترجم کتاب در یادداشت ابتدایی‌اش توضیح داده، گمبل در این کتاب بر این باور است که امروزه سیاست چندان خوش‌نام نیست و مردم اغلب بر جنبه‌های منفی سیاست تأکید می‌کنند. باین‌حال همه آنها می‌دانند که سیاست امری حائز اهمیت است و بر زندگی و آینده‌شان تأثیری مستقیم می‌گذارد. گمبل در کتابش توضیح داده که چرا باید به سیاست اهمیت داد و چه چیزهایی در سیاست در خطر است. او نشان می‌دهد که سیاست فقط در مورد اموری مانند جنگ، قدرت، فساد یا طمع نیست، بلکه آن نیروی حیاتی است که جوامع را شکل داده و می‌تواند باعث پیشرفت یا از طرف دیگر باعث تباهی یک جامعه شود. او ابتدا کتابش را با بیان انگاره‌ای عمومی در باب «سیاست» آغاز می‌کند و نویسنده می‌گوید این کتاب محصول سال‌ها تفکر درباره سیاست، آموزش سیاست و تجربه سیاست است.

گمبل در بخشی از مقدمه‌اش نوشته: «سیاست نمایش شخصیت و شرایط است و همین است که برنامه‌های خبری در سراسر جهان را هدایت می‌کند. مردم مدام می‌گویند از سیاست کلافه‌اند و علاقه‌ای به آن ندارند، باین‌حال رسانه‌های خبری پر از اخبار مربوط به سیاست هستند و خیلی کم از چیزهای دیگر حرف می‌زنند.

این را چگونه توضیح دهیم؟ تا حدی به این دلیل است که انواع مختلفی از سیاست وجود دارد. نوع سیاستی که بیشتر رسانه‌های خبری به آن توجه دارند، ربط بسیار کمی به جزئیات و پیچیدگی‌های سیاست‌گذاری عمومی دارد و بیشتر معطوف به شخصیت‌ها، رسوایی‌ها، ستیزها بر سر قدرت، شکست‌های فاحش و ظهور و سقوط افراد خاص است. آنها بر جزئیات بی‌اهمیت سیاست تمرکز می‌کنند و این جزئیات را در لابه‌لای روایت‌های جالب و حکایت‌های اخلاقی می‌پیچند که به‌طرز بی‌تاسی بر بعد منفی سیاست متمرکزند و باعث می‌شوند بسیاری از شهروندان احساس کنند که به هیچ‌کس نمی‌شود اعتماد کرد».



چرا سیاست مهم است

اندرو گمبل

ترجمه شهاب‌الدین عباسی

نشر چشمه